

بررسی تأثیر جنبش‌های فمینیسم^۱ لیبرال^۲، مارکسیست^۳ و رادیکال^۴

بر هویت زنان در سینمای معاصر آمریکا

(مطالعه موردی: مولان، سیندرلا، بلوند، باربی)

۱-رکسانا سیاحی^۵، ۲-بهنام ترابی^۶

۱. دانشجوی کارشناسی بازیگری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران.

۲. نویسنده مسئول، دکترای پژوهش هنر از دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران.

چکیده

فمینیست‌ها هفت مکتب اصلی دارند که از بین آن‌ها سه مکتب از بقیه تأثیرگذارتر بوده‌اند. سه مکتب اصلی فمینیسم لیبرال که اولین جنبش فمینیسم بوده و برای برابری حقوق مدنی و آموزش برابر زنان جنگیدند، فمینیسم مارکسیست که در راستای استقلال اقتصادی زنان تلاش کردند و فمینیسم‌های رادیکال که از ریشه به مبارزه با باورهای جنسیت‌زده‌ای که تلاش داشت بر بدن زنان کنترل یابد، پرداختند.

این جنبش‌ها سبب تغییر نگرش‌های گسترده‌ای بر روی جامعه آمریکا شد که مستقیماً در سینمایش بازتاب یافت و اتفاق بود که باعث تغییر نگرش جهان شد. در این مقاله با تحلیل چهار اثر سینمایی با محوریت زنان که در چهار سال اخیر بیشترین واکنش را از طرف منتقدان دریافت کرده بودند، به این نتیجه رسیدیم که فمینیسم با شکستن الگوهای مخرب گذشته، ساختن الگوهایی قدرتمندتر برای زنان و نشان دادن مشکلاتی که در اکثر جوامع نادیده گرفته می‌شوند، توانسته تأثیری انکارناپذیر بر سینمای آمریکا و به تبع آن بر روی جهان بگذارد.

کلیدواژه‌ها: سینمای زنان، سینمای معاصر آمریکا، فمینیسم لیبرال، فمینیسم مارکسیست، فمینیسم رادیکال.

4 . radical feminism

5 . sayahiroxana@gmail.com

6 . Drbehnamtorabi@gmail.com

1 . Feminist

2 . liberal feminism

3 . Marxist feminism

مقدمه

چینا ریون در کتاب *مغز جنسیت‌زده* به نقد باورهای مخرب درباره تفاوت‌های فکری اغراشده زنان و مردان پرداخته است.

جامعه آماری

فیلم‌های ساخته‌شده سینمای آمریکا با رویکرد زنان در بازه زمانی ۵ ساله.

حجم نمونه:

فیلم سینمایی مولان^۱ ساخته نیکی کارو^۲ (2022).

فیلم سینمایی سیندرلا^۳ ساخته کی کانن^۴ (2021).

فیلم سینمایی بلوند^۵ ساخته اندرو دومینیک^۶ (2022).

فیلم سینمایی باربی^۷ ساخته گرتا گروینگ^۸ (2023).

زایش فمینیسم

«در قرن هجدهم وقوع انقلاب صنعتی باعث شد کاری که در خانه و با تعامل زن و مرد انجام می‌شد، به کارگاه‌ها منتقل شود» (تانگ، ۱۹۸۹، ۳۰).

این اتفاق سرآغاز ایجاد مشکلات و محدودیت‌هایی برای زنان بود (از جمله در خانه ماندن و وابستگی اقتصادی به شوهرانشان) که واکنش‌های شدیدی را هم از طرف آنان دربرداشت. واکنش‌هایی که اولین جرقه‌های شکل گرفتن فمینیسم بودند.

فمینیست‌های لیبرال

"هنگامی که کار کردن به عملی در بیرون از خانه تبدیل شد، زنان بورژوازی شروع به ازدواج با بازرگانان و مردان ثروتمند کردند. آن‌ها نه انگیزه کار تولیدی در بیرون را داشتند و نه کار درون خانه (به دلیل داشتن خدمتکاران متعدد) و همین باعث شد آن‌ها تمام زمان خود را در خانه بمانند. با ادامه‌دار شدن این شرایط، حس پوچی و افسردگی در زنان ریشه زد و باعث شد به تنها سرگرمی که در اختیار داشتند، چنگ

از قرن هجدهم هم‌زمان با انقلاب صنعتی، اولین جرقه‌های مکتب فمینیسم به وجود آمد. در این مقاله با استناد به سه تا از بزرگ‌ترین مکاتب فمینیسم، قصد بررسی تأثیر این مکاتب بر نقش زنان بر سینمای معاصر آمریکا در چهار سال اخیر را داریم. (مطالعه موردی: مولان، سیندرلا، بلوند، باربی) این مکاتب عبارتند از فمینیسم لیبرال، فمینیسم مارکسیستی و فمینیسم رادیکال. اولین گروهی که برای برابری زنان تلاش کردند، فمینیسم‌های لیبرال بودند که مهم‌ترین هدفشان دست یافتن به حق رأی، حقوق مدنی برابر و دادن اجازه تحصیل و آموزش به زنان بود. پس از آن، فمینیست‌های مارکسیست به میان آمدند و هدف نهایی خود را رسیدن زنان به استقلال اقتصادی و برابری دستمزد زنان با مردان قرار دادند. سپس نوبت به فمینیست‌های رادیکال رسید، کسانی که برای کنترل یافتن زنان بر بدن و میل جنسی خود جنگیدند. فمینیست‌ها تأثیرات گسترده‌ای بر روی جامعه گذاشتند که باعث تغییرات چشم‌گیری در نوع نگاه، فیلمنامه‌ها و فیلم‌های سینمای معاصر شد.

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر از لحاظ هدف کاربردی، از نظر شیوه انجام توصیفی-تحلیلی و از لحاظ شیوه جمع‌آوری داده کتابخانه‌ای است. جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش از کتاب‌ها و مقالات فمینیستی و سینمایی فراهم گردیده است.

پیشینه تحقیق

لورا مال وی در مقاله خود با نام «لذت بصری و سینمای روایی» به بررسی لذت‌های بیمارگونه‌ای که سینما با نگاه اروتیک کردن به زنان در مخاطبان مرد خود ایجاد می‌کند، پرداخته است.

رزماری تانگ در کتاب *درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی* به معرفی تاریخ هفت جنبش مهم فمینیستی پرداخته است.

کارولاین کریادو پرز در کتاب *زنان نامرئی* به مشکلات نادیده گرفته‌شده زنان که به دلیل حساب کردن آن‌ها نوع دیگری از مردان و نه یک موجود متفاوت است، پرداخته است.

5. blond

6. andrew Dominik

7. barbie

8. greta gerwig

1. mulan

2. niki caro

3. cinderella

4. kay cannon



بزند؛ یعنی چشم‌وهم‌چشمی و مقایسه کردن خودشان با همدیگر" (Friedan, 4: 1974).

کم‌کم تنها هدف زنان ارضای نیازهای دیگران؛ یعنی مردان و کودکان شد. هیچ آموزشی برای تقویت قوای عقلی به آن‌ها داده نمی‌شد و برای این کار ترغیب نمی‌شدند. این اتفاق تا جایی ادامه داشت که عده‌ای عقل را توانایی‌ای مردانه پنداشتند که وجودش برای زنان غیرضروری است.

ژان ژاک روسو^۹ در امیل رشد قوای عقلانی را مهم‌ترین هدف تربیتی؛ اما فقط برای پسران معرفی کرده است. او معتقد بود که «مرد باید شجاع و خویشتن‌دار و عادل و بردبار تربیت شود درحالی‌که زنان را باید صبور و سربه‌زیر و خوش اخلاق و انعطاف‌پذیر بار آورد» (Rousseau, 1979: 26).

فعالان فمینیستی از جمله مری ویلسون کرافت^{۱۰} با این نقد کردن این افکار پرداختند. والسونکرافت با نقشه روسو درباره امیل موافق بود؛ اما به آن شرط که برای دختران هم مانند پسران اجرا می‌شد. او معتقد بود «تعقل وجه تمایز انسان و حیوان است. پس زنان نیز مانند مردان از این قابلیت برخوردارند، مگر آنکه دختران را حیوان بدانیم» (Wollstonecraft, 1792: 27).

و از این نقطه بود که فعالیت‌هایی برای گرفتن حق تحصیل، حق رأی و حقوق مدنی دیگر برای زنان به دست فمینیست‌های لیبرال آغاز شد.

فمینیست‌های مارکسیست

این گروه عقیده دارند، الگوهایی که مارکس در مورد کارگران ذکر کرده است، در مورد زنان هم وجود دارد. مارکسیست‌ها معتقدند تمایزهای طبقاتی باعث می‌شوند که موجودیت انسان (به‌ویژه زنان) وحدت خود را از چهار جنبه اصلی از دست بدهد.

نخست این‌که کارگران نسبت به فرآورده کار خود بیگانه می‌شوند، آن‌ها در اینکه چه کالایی را می‌خواهند تولید کنند یا نکنند حق اظهارنظر ندارند و ثمره کارشان از آن‌ها ربوده می‌شود. به شکل مشابه زنان نسبت به فرزندان خود بیگانه می‌شوند؛ هیچ حق کنترلی بر روی بدن و دستگاه تولیدمثل خود ندارند و در نهایت حضانت کودکان هم از آن‌ها ربوده می‌شود.

در جنبه دوم، کارگران با خویشتن بیگانه می‌شوند؛ زیرا هرگاه کار چیزی ناخوشایند جلوه کند، توان‌فرسا خواهد بود و نصیبی جز بحران روانی ندارد. همان‌طور که وقتی تنها هدف زندگی زنان تلاشی بی‌پایان

برای ارضا کردن نیازهای همه غیر از خودشان باشد و تمام روز خود را دور از اجتماع در قفسی حبس باشند، دچار بحران هویت شده و با خودشان بیگانه می‌شوند.

جنبه سوم این است که کارگران با انسان‌های دیگر بیگانه می‌شوند؛ زیرا ساختار اقتصاد سرمایه‌داری کارگران را وامی‌دارد که یکدیگر را رقیب شغلی خود ببینند. همان‌طور که زنان ارزش خود را در بهتر بودن، زیباتر بودن، لاغرتر بودن و رقابت با زنان دیگر می‌بینند.

چهارمین و آخرین جنبه این است که کارگران با طبیعت بیگانه می‌شوند، همین می‌شود که زنان با طبیعت و بدن خود بیگانه می‌شوند.

فمینیست‌های مارکسیست معتقدند که وابستگی اقتصادی زنان به مردان می‌تواند باعث فجایع بزرگی شود. هنگامی که زنی تصمیم می‌گیرد خدمات جنسی یا باروری خود را به فروش برساند فقط به این دلیل که چیزی هم ارز آن‌ها برای فروش در بازار ندارد، می‌توان احتمال داد که تصمیم او بیشتر از سر اجبار است تا اختیار (تانگ، همان، ۸۲).

فمینیست‌های رادیکال

این گروه توجه را به شیوه کنترل مردان بر بدن زنان جلب کردند که یا به شکل قوانینی که بارداری، عقیم‌سازی و سقط جنین را محدود می‌کنند، بروز پیدا می‌کند یا به شکل خشونت علیه زنان، هرزه نگاری، آزار جنسی، تجاوز و کتک زدن زنان «برای مردان داشتن فرزند راهی برای جاودانگی نام و دارایی و طبقه و هویت قومی آنان است و برای زنان داشتن فرزند راهی برای توجیه ضرورت خانه‌نشینی» (Firestone, 1970: 6).

پس هنگامی که فناوری راه‌های مصنوعی برای تولیدمثل پیش‌روی مردم قرار گیرد، نیاز به خانواده طبیعی و در پی آن نیاز به تحمیل دگرجنس‌خواهی برای تضمین بقای نوع بشر از میان می‌رود و آموزش جنسی به شیوه کنونی که مرد و زن در نقش‌های کاملاً تعریف شده دارند، از میان خواهد رفت. رادیکال‌ها معتقداند «ایدئولوژی مردسالاری تفاوت‌های طبیعی میان مردان و زنان را بزرگ‌نمایی می‌کند تا یقین حاصل کند که مردان همواره نقش‌های مسلط یا مردانه و زنان همواره نقش‌های فرودست یا زنانه دارند. پس بهترین راه حذف مردسالاری محو تمایزهای جنسی در جامعه اندروژنی است (millet, 1970: 43).

اندروژنی واژه مرکب یونانی متشکل از اندرو مرد (Andro) و ژن (gyn) به معنای «آمیزه‌های روانی و جسمانی از خصلت‌های سنتی مردانه و خصلت‌های سنتی زنانه است» (۳: هام، ۲۰۰۳).

¹⁰ . mary Wollstonecraft

⁹ . jean Jacques rousseau

نقطه روند داستان شکل رادیکال به خود می‌گیرد. برای پنهان شدن در بین مردان باید به یکی از آن‌ها تبدیل شد، مولان می‌خواهد مرد شود.

«گفته می‌شود که زن بابت آلت جنسی مرد بر او حسد می‌ورزد و میل دارد او را اخته کند؛ اما میل کودکانه به آلت مردی در زندگی زن بزرگسال اهمیتی نمی‌یابد مگر اینکه او زنانگی خود را چون نوعی مثله شدن تلقی کند و آن وقت است که زن در حدی که آلت مردی تجسم‌بخش تمام امتیازهای مردانگی است، آرزو می‌کند بر آلت مردی دست یابد» (دوبوآر، ۱۹۴۹، ۶۶۵).

مولان در پی یافتن هویتی مردانه به یک اندروژن تبدیل می‌شود. او ترکیبی شگفت‌انگیز از قدرت، زیبایی، هوش و شجاعت است، چیزی که برای مردی که در جنسیت‌زدگی غرق شده‌اند، بسیار ترسناک است. پس هنگامی که پی می‌برند او تمام مدت یک دختر بوده است، او را ساحره خوانده و طردش می‌کنند. توهینی تأمل‌برانگیز، نظریه‌پردازان فمینیست «ساحره‌ها و جادوگران را خدایان مؤنث زنان به شمار می‌آورند» (Christ & plaskow, 1997, 111).

موجوداتی که با قدرت بخشیدن به زنان در جامعه «باعث وحشت زن‌ستیزان می‌شوند» (Gage, 1873, 8). یکی از تفاوت‌های فیلم و انیمیشن این است که شاهی که بر روی شانه بوری خان می‌نشست، تبدیل به ساحری دیگر شده است. زنی با قدرت جنگاوری بالا که مانند مولان از جامعه طرد شده؛ اما راه متفاوتی را برگزیده است. مولان فداکاری و ساحر انتقام را انتخاب کرده است.

«ما می‌دانیم که برای آدم‌ها گیر افتادن در یک زندگی بی‌معنا و اعتراض به توقعات اجتماعی چقدر محتمل است. بنابراین می‌توانیم ببینیم که آزادی یک گزینه واقعی برای آدمیان در چنین موقعیت‌هایی است و این یک واقعیت است که آزادی می‌تواند هم قهرمان و هم ضد قهرمان خلق کند» (سی. پاملو، ۲۰۰۹، ۴۳).

نکته بحث‌برانگیز دیگر درباره انیمیشن و لایو اکشن مولان، علاقه فارغ از جنسیت لی شانگ (در فیلم چن هونگ هوئی) به اوست که او را فارغ از اینکه در جسمی مردانه است یا زنانه دوست دارد. عشقی که بسیار واقعی‌تر از عشق شاهزادگان خودشیفته دیزنی به نظر می‌رسد.

سیندرلا

این روایت متفاوت از سیندرلا با بازی کامیلا کابیلو واکنش‌های متفاوت زیادی را از سراسر جهان برانگیخت. این ورژن مدرن از قصه‌ای پریان با مشکلات دختریه به نام الیا/ سیندرلا شروع می‌شود که رویای طراح لباس شدن را در سر می‌پروراند. با وجود استعداد و خلاقیت زیاد؛ اما موفق به فروش آثارش نمی‌شود فقط به این دلیل که جامعه باور دارد

پژوهش‌ها نشان داده است برخلاف تصورات زندگی در جامعه‌ای اندروژنی می‌تواند بازدهی انسان‌ها را افزایش دهد. در روانشناسی فمینیستی ساندرلا بم آزمونی به نام "منشأ نقش جنسی" تهیه کرد که نشان می‌داد موفق‌ترین و باهوش‌ترین افراد بیشترین میزان خصوصیات اندروژنی/ دوجنسیتی را داشته‌اند (Bam, 1979; 3).

فارغ از جنسیت، میل جنسی هم از موضوعات مورد توجه فمینیسم‌های رادیکال بوده و بر این باورند که «عشق می‌تواند چیز بسیار باشکوهی باشد؛ اما وقتی آن را در قالب می‌ریزند و بسته‌بندی می‌کنند و به صورت قصه‌های عاشقانه می‌فروشند، زنان بیشتر فریفته توهم عشق می‌شوند تا واقعیت آن و این البته بسیار غم‌انگیز است که به جای همه آنچه می‌توان داشت تنها به همین مقدار اندک دل خوش کنیم» (Daly, 1978; 185).

مولان

مولان سرگذشت انسانیت که نه حق جنگیدن دارد و نه چاره‌ای جز جنگیدن. داستان زنی که تصمیم می‌گیرد چیزی که او را در این دو راهی قرار داده؛ یعنی جنسیتش را پنهان کند. این فیلم با وجود داشتن تفاوت‌های بسیار با ورژن انیمیشنش (۱۹۹۸)، همچنان به درون‌مایه داستان متعهد مانده. اولین مشکلی که مولان با آن مواجه می‌شود، دغدغه لیبرالی است. او به دلیل زن بودن از حق آموزش هنرهای رزمی و به جنگ رفتن محروم می‌شود. محرومیتی که دور زدن آن برابر با اعدام است. استعدادی که برای پسران افتخار است، برای دختران نفرینی شرم‌آور و ننگین است که باید آن را سرکوب کنند. جامعه تلاش می‌کند به هر روشی که شده، ساکنان خود را جامعه‌پذیر کند؛ چه با دوستی، چه به زور. به همین سبب از خانواده‌اش گرفته تا تک‌تک انسان‌های اطرافش، به مولان دیکته می‌کنند چگونه رفتار کند، لباس بپوشد، آرایش کند، بخندد و حتی چگونه نفس بکشد. آن‌ها تمام تلاششان را می‌کنند که به او بقبولانند تنها هدفی که برایش به دنیا آمده، ازدواج کردن و جلب رضایت مردان است. پس باید همسر خوبی بوده و مانند یک خدمتکار ساکت، برازنده، ظریف و مؤدب باشد.

این حجم از «تلاش جامعه مردسالار که برای سرکوب زنان انجام می‌دهد» (Fromm-Reichmann, 1974; 5)، می‌تواند ناشی از ترس ناخودآگاه آن‌ها از این موضوع باشد که «موجودی که توانایی جان بخشیدن دارد بی‌شک توانایی ستاندن آن هم دارد» (Rich, 1979; 273).

همه می‌خواهند از مولان یک زن بسازند. اینجاست که گفته سیمون دوبوآر مصداق پیدا می‌کند: کسی زن به دنیا نمی‌آید، زن می‌شود. زنانگی یک ساخت اجتماعی است که مولان از آن فرار می‌کند. از این

که یک زن حق و توانایی کار کردن را ندارد. در همین میان نامادری‌اش به او برای ازدواج با مردی ثروتمند فشار می‌آورد؛ زیرا معتقد است این بهترین کاری است که یک زن می‌تواند انجام دهد و سعی می‌کند با آموزش دادن راه‌ورسم شوهرداری از او یک خدمتکار بسازد. مشکلات لیبرالی و مارکسیستی با هم گره می‌خورند، نداشتن حق کار و به همین دلیل نداشتن استقلال اقتصادی گریبان‌آرا را می‌گیرند.

در آن طرف قلمرو، در قصر شاه هم آشوبی بر پا است. ملکه به اعتراض به نابرابری میان خودش و شاه برمی‌خیزد، شاهزاده نمی‌خواهد بدون عشق و فقط به دلایل سیاسی ازدواج کند و شاهدخت کوچک رؤیای حکومت را در سر می‌پروراند.

جشنی برپا می‌شود که به الا و شاهزاده اجازه فرار برای ساعتی از مشکلاتشان را می‌دهد. آن دو عاشق هم می‌شوند و شاهزاده از الا می‌خواهد که همسرش شود و در قصر بماند؛ اما برعکس بیشتر دختران دیزنی، الا درخواست او را رد می‌کند. او هر مانعی که بر سر راه آزادی‌اش قرار دارد را کنار می‌گذارد و تصمیم می‌گیرد که میان خودش و شاهزاده، خودش را انتخاب کند. الا به دنبال اهدافش می‌رود و در این داستان شاهزاده است که از تاج‌وتخت دست می‌کشد و همراه او می‌رود.

این فیلم بازتاب‌های رادیکال زیادی هم درون خود دارد، تقریباً تمام شخصیت‌های داستان اندروژن هستند، الا شجاع و مستقل است، شاهزاده کمی لوس است و از انداختن گوشواره ایایی ندارد؛ ملکه در زمان استراحتش شمشیربازی می‌کند، پادشاه احساساتی است و از همه پررنگ‌تر شخصیت پری مهربان است که نقش او را مردی با کفش‌های پاشنه بلند و لباسی متناسب به زنان بازی می‌کند.

در این فیلم اشاره مستقیمی هم به این مشکل می‌شود که زنان حاضرند چه بلاهای عظیمی را بر سر جسمشان بیاورند فقط برای زیباتر شدن از نظر استانداردهایی غیر انسانی؛ مانند بستن کمرهای تنگ و شگون گرفتن چانه برای قرمزتر به نظر رسیدن آن. این فیلم به ظاهر کلیشه‌ای و به گفته بعضی بیش از حد مدرن، می‌تواند تأثیر بسیاری در اعتمادبه‌نفس و ملاک‌های ارزش‌گذاری دختران کوچک نسل بعد داشته باشد.

«الگوها می‌توانند نقش حیاتی در از بین بردن تصورات منفی از خویشتن و افزایش عزت نفس در تمام رده‌های سنی و در بسیاری از وضعیت‌ها داشته باشند. معضلات مبتنی بر فرهنگ مشخصاً باید از طریق بهبود فرهنگ حل شوند» (ریبون: ۲۰۱۹: ۳۹۳).

این نشان می‌دهد که بهترین راه مبارزه با کلیشه‌هایی که از طریق داستان‌ها برای دختران ایجاد شده‌اند، متحول کردن همان

داستان‌هاست. (اگر به دخترها اجازه دهیم خود را در جایگاه قدرت تصور کنند، در این صورت تأثیر منفی کلیشه‌های جنسیتی هم روی آن‌ها کاهش پیدا خواهد کرد). (Rydell & Van Loo, 2013: 121)

انتخاب بازیگران فیلم از انسان‌هایی با نژاد، رنگ پوست، گرایش، اندام و جنسیت‌هایی متفاوت هم نشانه دیگری از تأثیرات مثبتی است که فمینیسم‌ها توانسته‌اند بر روی سینما بگذارند.

بلوند

این فیلم برداشتی تخیلی از زندگی و حرفه بازیگر آمریکایی، مرلین مونرو با بازی آنا دی آرماس^{۱۱} است. زندگی‌نامه فرزندگی که بدون خواست خودش به دنیا آمد؛ اما با خواست خودش از این دنیا رفت. در دقایق ابتدایی فیلم مشکلات مارکسیستی بیداد می‌کنند، پدر مونرو در کودکی رهپیش کرده و مادرش در تیمارستان روانی به سر می‌برد. پس او مجبور است از همان ابتدای نوجوانی مسئولیت تأمین مخارجش را قبول کند. کمبود اعتمادبه‌نفس همراه با فشارهای روانی و اقتصادی ناعادلانه باعث می‌شود او برای به دست آوردن تنها راه نجاش از این وضعیت که گمان می‌کند بازیگری است، تن به هر کاری بدهد. او مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد و رؤیایش تبدیل به کابوس می‌شود. «در سینمای درگیر اسکوپوفیلیا لذت نگاه کردن به شخصی دیگر به‌عنوان موضوعی جنسی، او را به‌عنوان یک شیء و نه به‌عنوان یک انسان می‌بینند. در جهان مبتنی بر نابرابری جنسی، لذت نگاه به دو بخش فعال/ مرد و منفعل/ زن تقسیم شده؛ به این گونه که مرد صاحب نگاه و زن موضوع نگاه است. همین سبب می‌شود که در سینما با اروتیزه کردن بدن زن، او را تبدیل به فیتیش و شیء می‌کنند» (مال وی، ۱۳۸۲، ۵۰).

و داستان همین‌جا تمام نمی‌شود. مونرو باردار شده و به دلیل شرایط نامناسب تصمیم به سقط جنین می‌گیرد. کنشی که واکنش‌های منفی بسیاری را برمی‌گزیند؛ گویی همه جهان مالکیت بدن او را دارند به‌جز خودش «او مرا به این دلیل که تصمیم سقط گرفتم به قتل عمد متهم می‌کند. اگر بخواهم با او به مسئله نگاه کنم، باید هر بار که تخمکی بدون اینکه بارور شود، از بین می‌رفت یا هربار که ۲۰۰ میلیون اسپرم برای رسیدن و سوراخ کردن غشاء و رسیدن به تخمک بازمی‌ماندند، عزاداری میکردم. حتی وقتی یک اسپرم موفق به باردار کردن تخمکی می‌شود باید برای صدونودونه میلیون و نهصدونودونه صدم و نهصدونودونه اسپرم دیگر که موفق نمی‌شوند، عزاداری کنم. آن‌ها نیز زنده هستند و حق زندگی دارند» (فالاچی، ۲۰۰۶: ۶۴).

مشکلات شغلی و شخصی حل نشده مونرو؛ از جمله گرفتن حقوق چند برابر کمتر از بازیگران مرد فیلم، قرار گرفتن تحت خشونت خانگی،

11 . ana de armas

که آن‌ها هم تنها دوسوم مردان هم‌رده خود حقوق می‌گیرند» (U.S.GAO, 2023).

دیالوگ‌هایی در فیلم که به دید اکثریت بزرگ‌نمایی بود، بازگوکننده مسائلی است که در حال نابود کردن زنان و دختران جامعه است.

باربی به دلیل دیدن تغییراتی بر روی پوست بی‌نقصش؛ از جمله ترک پوستی، جوش، لک، تیرگی، موهای زائد و اضافه وزن دچار بحران هویتی می‌شود. در دنیای واقعی این استانداردهای زیبایی غیرطبیعی اثراتی شدیدتر از بحران هویتی به همراه دارند. طبق آماری که انجمن ملی اختلالات خوردن در آمریکا منتشر کرده است:

«حدود ۸۰ درصد از زنان نارضایتی از بدن خود را تجربه می‌کنند و مایلند وزن کمتری نسبت به آنچه در حال حاضر هستند داشته باشند» (Runfola, C. D., 2023).

«حدود ۵۰ درصد از دختران پیش از نوجوانی و ۳۰ درصد از پسران پیش از نوجوانی بدن خود را دوست ندارند» (Alleva, J. M., 2015).

«۶۳ درصد از دختران نوجوان و ۲۸ درصد از پسران نوجوان گفتند سعی در کاهش وزن دارند و به‌طور فعال برای کاهش وزن رژیم می‌گیرند» (CASA, 2003).

«شیوع کلی اختلالات خوردن در طول زندگی در میان زنان ۸ درصد و در میان مردان ۴ درصد برآورد شده است» (Academy for Eatin Disorders, 2020).

«خودکشی یکی از علل اصلی مرگ‌ومیر برای افرادی است که به اختلال خوردن مبتلا هستند» (Goldstein, A., 2019).

یعنی این استانداردهای غیرطبیعی جامعه برای زیبایی زنان تا جایی پیش رفته که حتی باعث مرگ عده کثیری از آن‌ها شده. باربی تعریف زیبایی را به چالش می‌کشد و تصویری از زنان موفق و مستقلی نشان می‌دهد که برای انجام کارهای بیشتری از در خانه ماندن و مراقبت از بچه تشویق می‌شوند. اقدامی که هم دید جامعه و هم دید خود دختران به خودشان و توانایی‌هایشان را دگرگون می‌کند.

تجاوز و درگیری‌اش با افسردگی در نهایت او را به سمت پایانی غم‌انگیز سوق می‌دهند. این همان بلایی است که جامعه‌ای مردسالار بر سر زنان می‌آورد. این فیلم تنها فیلم از ۴ فیلم منتخب است که کارگردانی مرد دارد و وجود صحنه‌های اروتیک و جنسی بسیار بیشتر از مجموع سه فیلم دیگر، می‌تواند تصدیقی بر گفته‌های لورا مالوی^{۱۲} در مورد «هرزه‌نگاری زنان در سینما توسط مردان» باشد (مال وی، همان).

باربی

فیلمی به کارگردانی گرتا گروبیگ و بازی مارگو رابی که راه نیافتن این دو شخص در دو بخش اصلی اسکار جنجال‌های بسیاری به پا کرد. فمینیسم همیشه برای عموم مردم دچار کج فهمی شده و به تبع آن آثاری که دغدغه آن را دارند هم دچار سوء برداشت می‌شوند. بیشتر اعتراضات، واکنش‌های منفی و نفرت پراکنی‌هایی که به این فیلم شد، به این دلیل بود که عموم آن را یوتوپیا (آرمان‌شهر) فمینیست‌ها تصور می‌کردند، در صورتی که این فیلم واضحاً یک ضد کلیشه (کلیشه معکوس: ایده‌ای در تضاد با تصویر ذهنی استانداردهای اعضای یک گروه مشترک) است. گروبیگ الگوهای زن‌ستیزانه متداول جامعه را که به علت تکرار عادی شده را وارونه می‌کند تا از این طریق بتواند مشکلات زنان را برای آن قشر گسترده‌ای از مردم که از دیدن آن ناتوانند، ملموس کند. ما در فیلم ماشین باربی، خانه باربی و شهر باربی را داریم که همه فقط برای او طراحی شده‌اند. شاید جالب باشد اگر بفهمیم در دنیای واقعی ناخواسته اتفاقی دقیقاً برعکس این افتاده است.

«همیشه فرض این بوده است که آدم؛ یعنی مرد، زن هم یک جور تغییر یافته‌ای از مرد است. به حساب نیاوردن زن به‌عنوان یک موجود با آناتومی بدن و نیازهایی متفاوت باعث به‌وجود آمدن شکاف عظیم داده‌ای شده است. نبود تفکیک جنسیت هنگام بررسی داده‌ها و این حقیقت که بیشتر مدیران مرد هستند، سبب شده که تمام جهان براساس نیازهای مردان طراحی کنند. این یعنی نیازهای نصف جمعیت کاملاً نادیده گرفته شده است. از طراحی ساختمان‌ها گرفته تا طراحی کمربند ایمنی خودروها» (کریادوپرز، ۲۰۱۹، ۱۵۲).

در فیلم وقتی باربی به دنیای واقعی می‌آید، می‌بینیم که همه اعضای دفتر مرکزی کنفرانس که مدیریت باربی‌لند را بر عهده دارند، از مردان تشکیل شدند. این سکانس اشاره مستقیمی به این واقعیت دارد که «تنها ۴۰ درصد از مدیران ایالات متحده را زنان تشکیل داده‌اند

12 . laura malvay



«به هر حال قبل از حضور یک زن واقعی در هیئت فضانوردان ناسا (۱۹۷۸) یک عروسک باری فضانورد (۱۹۶۵) وجود داشت» (lemire, 2023).

پس نباید قدرت مخرب کلیشه‌های جنسی و ارزش کسانی که بر علیه آن اقدام می‌کنند را نادیده بگیریم.

کلیشه‌های جنسیتی در واقع نوعی تهدید برای مغز هستند و می‌توانند مغز ما را از سرنوشتی که شایستگی‌اش را دارند، منحرف کند. فرایند ساده‌توانمندسازی می‌تواند دخترها را در برابر تأثیرات تهدید کلیشه‌های ایمن کند. گاهی توانمندسازی را می‌توان از روش‌های بسیار آسان اعمال کرد، در حدی که تحقیقات نشان داده است نشان دادن تصاویر زنان قدرتمند به دختران جدا از تأثیرات مثبت بر روی اعتمادبه‌نفس آن‌ها می‌تواند اضطرابشان هم کاهش دهد (ریبون، همان).

نکته دوست‌داشتنی پایانی در مورد باری وجود "باربی عجیب" با موهای کوتاه و شخصیت الن که نه باری است و نه کن به‌عنوان نمادی از اندروژنی است.

نتیجه‌گیری

فمینیسم جنشی بود که تمرکز جهانیان و سینما را به مشکلاتی که زنان هر روز با آن دست‌وپنجه گرم می‌کنند، جلب کرد.

فمینیست‌ها مکتب‌های مختلفی دارند که هرکدام برای هدف جداگانه‌ای تلاش می‌کنند. در این مقاله به بررسی سه مورد از این مکاتب در ۴ اثر سینمایی پرداخته شد که هرکدام دیدگاه متفاوتی به جهان زنان داشتند. فیلم سینمایی مولان به دلیل رد شدن از مرزهای جنسیت برای رسیدن به حقوقی برابر دغدغه‌ای لیبرالی و رادیکالی داشت، فیلم سیندرلا و بلوند با مشکلاتی مارکسیستی و رادیکالی سروکار داشتند و در فیلم باری ما عناصری از هر سه مکتب داشتیم. در نهایت متوجه شدیم که زنان در طبقه، نژاد، گرایش و مذهب‌ها متفاوتند پس مشکلات، نیازها و دغدغه‌های آن‌ها هم متفاوت است و نمی‌توان راهکاری یکسان برای کامیابی تمام زنان جهان تجویز کرد. این یک حقیقت است که فمینیست‌ها هنوز راه زیادی برای دستیابی به برابری در پیش دارند. ما برای تغییر نگرش‌های آسیب‌زننده و جنسیت‌زده جهان به فیلم‌های بیشتر و دیدگاه‌های متفاوت‌تری درباره مشکلات و مسائل زنان نیاز داریم؛ اما تا همین جا هم پیشرفت قابل توجهی کرده‌ایم.

منابع

کتابها:

- تانگ، رزماری. (۱۹۸۹)، *تقد و نظر: درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی*؛ ترجمه منیژه نجم عراقی. چاپ دهم. تهران: نی.
- هام، مگی. (۲۰۰۳)، *فرهنگ نظریه‌های فمینیستی*؛ ترجمه نوشین احمدی خراسانی، فیروزه مهاجر و فرخ قره داغی. چاپ اول، تهران: توسعه.
- دوبوآر، سیمون. (۱۹۴۹)، *جنس دوم*؛ ترجمه قاسم صنعوی، چاپ دوم، تهران: توس.
- کریادو پرز، کارولاین. (۲۰۱۹)، *زنان نامرئی*؛ ترجمه نرگس حسلی، چاپ اول، تهران: برج.
- سی پاملو، ویلیام. (۲۰۰۹)، *سینمای اگزیستانسیالیستی*؛ ترجمه نصرالله مرادیانی، چاپ ششم، تهران: بیدگل.
- ریبون، جینا. (۲۰۱۹)، *مغز جنسیت زده*؛ ترجمه رضا اسکندری آذر، چاپ دوم، تهران: خوب.
- فالاجی، اورینا. (۲۰۰۶)، *نامه‌ای به کودکی که هرگز زاده نشد*؛ ترجمه باران جمشیدی شکوفه، چاپ اول، تهران: راز معاصر.

- Shulamith Firestone.(1970). *The Dialectic of Sex: The Case for Feminist Revolution*. New York: William Morrow and Company.
- Friedan, Betty.(1974). *The femenine Mystique*. New York: Dell.
- Wollstonecraft, Mary.(1792) *The Vindications: The Rights of Men and The Rights of Woman*. Eds. D.L. Macdonald and Kathleen Scherf. Toronto: Broadview Literary Texts, 1997
- Daly, Mary(1978).*Gyn/Ecology: The Metaethics of Radical Feminism*.Boston: Beacon Press.
- *Woman, Church and State, 1893* (published again in 1980 by Watertowne MA: Persephone Press)

مقالات

- مال وی، لورا. (۱۳۸۳)، «لذت بصری و سینمای روایی»، ترجمه نگار ستوده، ماهنامه هفت، آبان، شماره صفحه: ۴۴ تا ۵۰.
- Rousseau, jean-jacques.(1979). *Emile*, trans. Allan Bloom. New York: Basic Books.
- Bem sandra L (1979) *probing the promise of androgyny* . In *beyond sex_role stereotypes : reading toward a psychology of androgyny* ess A.G. kaplan and j.p. bean. Boston : little, brown.
- Millett, kate.1970. *Sexual politics*. Garden city, N.Y.: Doubleday
- *On the Denial of Women's Sexual Pleasure: Discussion of Dr. Thompson's Paper / Frieda Fromm-Reichmann, Virginia Gunst.*(1974) In: *Psychoanalysis and Women / Jean Baker Miller*, págs. 86-94
- Rich,Adrienne. 1979.*of woman born*. New York: W.W.Norton
- Christ and Judith Plaskow, eds., *Womanspirit Rising: A Feminist Reader on Religion* (San Francisco: Harper & Row, 1979)

- Katie J. Van Loo and Robert J. Rydell.(2013).The freedom of power: How feeling powerful reduces the influence of anchors in decision-making. INDIANA UNIVERSITY BLOOMINGTON.
- Runfola, C. D., Von Holle, A., Trace, S. E., Brownley, K. A., Hofmeier, S. M., Gagne, D. A., & Bulik, C. M. (2013). Body dissatisfaction in women across the lifespan: results of the UNC-SELF and Gender and Body Image (GABI) studies. European eating disorders review: the journal of the Eating Disorders Association, 21(1), 52–59.
- National Center on Addiction and Substance Abuse (CASA) at Columbia University. (2003). Food for Thought: Substance Abuse and Eating Disorders. New York, National Center on Addiction and Substance Abuse.
- Alleva, J. M., Sheeran, P., Webb, T. L., Martijn, C., & Miles, E. (2015). A Meta-Analytic Review of Stand-Alone Interventions to Improve Body Image. PloS one, 10(9), e0139177.
- Goldstein, A., & Gvion, Y. (2019). Socio-demographic and psychological risk factors for suicidal behavior among individuals with anorexia and bulimia nervosa: A systematic review. Journal of affective disorders, 245, 1149–1167.
- Deloitte Access Economics. The Social and Economic Cost of Eating Disorders in the United States of America: A Report for the Strategic Training Initiative for the Prevention of Eating Disorders and the Academy for Eating Disorders. June 2020. Available at: <https://www.hsph.harvard.edu/striped/report-economic-costs-of-eating-disorders>
- Women in the Workforce: Underrepresentation in Management Positions Persists, and the Gender Pay Gap Varies by Industry and Demographics | U.S. GAO
- <https://www.gao.gov/products/gao-23-106320#:~:text=Women%20remain%20underrepresented%20in%20management,up%2047%25%20of%20the%20workforce>

Investigating the influence of liberal, Marxist and radical feminism movements on women's identity in contemporary American cinema (case study: Mulan, Cinderella, Blonde, Barbie)

Abstract

Feminists have seven main schools, of which three have been more influential than the others. The three main schools of liberal feminism, which was the first movement of feminism and fought for equal mineral rights and equal education for women, Marxist feminism, which worked for the economic independence of women, and radical feminism, which fought from the root to the gendered beliefs that tried to Women's bodies were controlled. These movements caused a change in broad attitudes on the American society, which was directly reflected in his cinema. An event that changed the attitude of the world. In this article, by analyzing four female-centered films that received the most reaction from critics in the last four years, we came to the conclusion that feminism by breaking the destructive patterns of the past, building stronger patterns for women and showing the problems that exist in most societies. Ignored has been able to make an undeniable impact on American cinema and consequently on the world.

Keywords: women's cinema, contemporary American cinema, liberal feminism, Marxist feminism, radical feminism.